

واکاوی آسیب‌های مرتبط با دست‌بافته‌های عشایر بختیاری در سبک زندگی معاصر با تکیه بر آرای پیر بوردیو

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۳۶-۱۱۷)

ندا کیانی اجگردی^۱، ایمان زکریایی کرمانی^۲، ثریا معمار^۳

۱- دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه فرش، دانشکده صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان

۳- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان

DOI: 10.22077/NIA.2021.3703.1361

چکیده

دست‌بافته‌های کاربردی همواره یکی از تولیدات مهم و مورد نیاز عشایر بختیاری بوده‌است؛ هنری قومی که در عرصه علوم انسانی و اجتماعی نیز به‌عنوان سند تاریخی و یک گونه متفاوت از حوزه هنر، دارای اهمیت است. با توجه به تغییرات کنونی سبک زندگی که عمدتاً مطابق با تحولات فرهنگی و اجتماعی و فاصله میان سنت و تجدد بوده، کاهش دامنه تولید و فراموش شدن بخش عظیمی از بافته‌ها اجتناب‌ناپذیر شده‌است. از این‌رو مقاله حاضر با هدف آسیب‌شناسی دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری، در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که آسیب‌ها و موانع حیات و مصرف دست‌بافته‌های بختیاری در سبک زندگی امروزی کدام‌اند؟ روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و از نوع مطالعات مردم‌نگاری و از لحاظ ماهیت کیفی است. رویکرد این پژوهش، جامعه‌شناسی هنر با تأکید بر نظریه پیر بوردیو در خصوص مصرف و سبک زندگی است و بدین منظور از نظریه "میدان" و مؤلفه‌های مرتبط با آن بهره برده‌است. تحلیل داده‌ها بر پایه تحلیل مضمون و ارائه الگو بر پایه آسیب‌شناسی انجام گرفته‌است. نمونه‌گیری به صورت غیر احتمالی و بر پایه اشباع اطلاعاتی با مشارکت ۴۳ نفر از تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان، مصرف‌کنندگان و صاحب‌نظران صورت گرفته و اطلاعات به دو روش اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده‌است. حاصل آنکه آسیب‌ها با دو حوزه کاربرد و زیبایی‌شناسی (ذائقه هنری) در ارتباط مستقیم‌اند که متأثر از منش افراد در حکم کنشگران میدان بافته‌ها می‌باشد؛ همان‌گونه که بوردیو نیز فرهنگ مصرف را ریشه در منش و ذائقه هر فرد می‌داند. در واقع با در نظر گرفتن نقش سرمایه فرهنگی در سبک زندگی، در میدان دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری در قامت سرمایه فرهنگی عینی شده، دو گروه کنشگران ناب و وابسته قابل تشخیص است که خود نیاز به یک گروه سوم به منظور تلفیق خصوصیات دو گروه مذکور و به دست آوردن میدان قدرت را نشان می‌دهد؛ چراکه قطب سوم از منظر سرمایه فرهنگی بر دست‌بافته‌ها تأکید دارد و با توجه به عدم تطابق کاربردی آن‌ها با معیارهای پذیرش در بازارهای هدف و وجوه زیبایی‌شناسیشان با سلیقه و پسند دنیای امروزی، در پی ورود ایده‌های جدید است تا توأمان جایگاه هنری و مصرفی را به دست آورد.

واژه‌های کلیدی: عشایر بختیاری، دست‌بافته، سبک زندگی، پیر بوردیو.

1- Email: n.kiani@au.ac.ir

2- Email: i.zakariaee@au.ac.ir

3- Email: s.memar@ltr.ui.ac.ir

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان "آسیب‌شناسی دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری به منظور مطابق‌سازی آن‌ها با نیازهای امروزی" بوده که در دانشکده صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان به راهنمایی ایمان زکریایی کرمانی و ثریا معمار انجام شده است.

مقدمه و بیان مساله

دست‌بافته‌های تولیدی مردم بختیاری به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین دستاوردهای هنری ایران، در زمره سرمایه‌های قومی، فرهنگی، مادی و معنوی قرار می‌گیرند که بی‌تردید در کالبد جوامع امروزی، متأثر از عوامل و مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و... تضعیف شده‌اند. در حال حاضر تنها در میان معدودی از بختیاری‌ها، این دست‌بافته‌ها یافت می‌شوند تا جایی که با تغییر سبک زندگی و رویکردهای کنونی مورد التزام این گروه‌های اجتماعی، تا چند دهه دیگر، اثری از این دست‌بافته‌ها و کاربردهای باقی نخواهد ماند. این در حالی است که برای تقویت این بخش از جامعه می‌توان از همین سرمایه فرهنگی استفاده کرد؛ چراکه توسعه، اقتصاد و منزلت اجتماعی در جایی که از آن ریشه گرفته‌است؛ یعنی در فرهنگ و سنت‌های همان جامعه رشد می‌کند. از دیگر سو انقطاع و گسست فرهنگی که در سبک زندگی امروزی سبب گم‌گشت‌ها و کم‌گشت‌های عناصر، مجموعه‌ها و سرمایه‌های فرهنگی از آن جمله هنر دست‌بافته‌های عشایری شده‌است؛ نوعی چرخش نسبت به الگوهای روزمره معطوف به مصرف و تولیدات فرهنگی، اجتماعی و مادی به وجود آورده‌است. در واقع امروزه سبک‌های زندگی متنوع، کارکردهای جدید و پیامدهای متمایزی به دنبال دارند و مصرف و انتخاب سبک زندگی با اهداف متفاوتی صورت می‌گیرد.

با توجه به این مهم، مطالعات مسئله‌شناسی و نگاه دقیق به آنچه تاکنون بافته‌شده و برجای مانده‌است، توأم با قضاوت آسیب‌ها و الگوی مصرف فرهنگی در سبک زندگی معاصر، ضرورت دارد؛ چراکه با شناخت اجزا و عناصر آسیب‌رسان می‌توان به تصویری کلی از آن‌ها رسید و برخی را کنترل و برخی دیگر را تضعیف نمود. بر این مدار می‌توان ویژگی‌های چشم‌انداز آسیب‌شناسی در سطح موضوع مطالعاتی را این‌گونه برشمرد: الف. ظرفیت موضوع را برای تغییر در وضعیتش افزایش می‌دهد، ب. فرصت مناسبی برای کسب بینش جدید از جنبه‌های مختلف وضعیت در سطح موضوع فراهم می‌کند ج. با آسیب‌شناسی از تعهد موضوع به بهبود، اطمینان حاصل می‌شود. بدین منظور توجه به این شاخه از صنایع‌دستی در جامعه امروزی، آسیب‌شناسی و ارائه راهکار در جهت مصرف

مجدد و متناسب با سبک زندگی امروزی، مسئله‌ای است که مقاله حاضر قصد بررسی آن را دارد. در واقع از آنجاکه بین سبک زندگی و مصرف، رابطه ناگسستنی وجود دارد، این مقاله به دنبال آن است تا مهم‌ترین آسیب‌های حاکم بر دست‌بافته‌های بختیاری را در ارتباط با مصرف آن‌ها در سبک زندگی امروزی شناسایی کند. از این حیث در پی پاسخگویی به این سؤالات بوده‌است: آسیب‌ها و موانع حیات و مصرف دست‌بافته‌های بختیاری در سبک زندگی امروزی کدام‌اند و کاربرد مجدد دست‌بافته‌های بختیاری به‌عنوان یک سرمایه فرهنگی در سبک زندگی امروزی چگونه امکان‌پذیر می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در زمینه دست‌بافته‌های عشایر بختیاری بیشتر منابع به توصیف، توضیح روند تاریخی، کاربرد، معناسازی، زیباشناسی و یا مراحل تکامل آن‌ها پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به این منابع اشاره کرد: افروغ در «مطالعه ساختاری و محتوایی نمکدان‌های بختیاری با تأکید بر طرح و نقش» (۱۳۹۷) به تحلیل مؤلفه‌های فن‌شناسی و زیبایی‌شناسی ۲۲ نمونه نمکدان بختیاری پرداخته‌است. کیانی، زکریایی کرمانی و ابراهیمی علویچه در مقاله «مطالعه مردم‌شناسی وریس‌بافی عشایر بختیاری» (۱۳۹۵) وریس‌بافی عشایر بختیاری را از نظر فن‌شناسی، زیباشناسی و کارکردشناسی با رویکرد مردم‌شناسی مورد مطالعه قرار داده‌اند. کیانی در «مطالعه روابط ساختاری تاجه و نمکدان چهارمحال‌وبختیاری با رویکرد انسان‌شناسی هنر» (۱۳۹۵) در پی درک بهتر وام‌گیری و رابطه بین طرح تاجه با دیگر دست‌بافته‌ها، به‌ویژه نمکدان بوده و بدین منظور با استفاده از رویکرد انسان‌شناسی هنر و با تأکید بر نظریه‌های فاگ و بیویک، از حیث زیباشناسی و معناسازی به مطالعه آن‌ها پرداخته‌است. ابراهیمی ناغانی در مقاله «مقدمه‌ای بر زیباشناسی نقش و رنگ گلیم‌های عشایر بختیاری» (۱۳۹۳) به تمایزهای زیباشناسی مطرح در نقش و رنگ گلیم عشایر بختیاری می‌پردازد. کبیری در «خورجین و گونه‌های مختلف آن در استان چهارمحال‌وبختیاری» (۱۳۸۸) خورجین را به لحاظ کاربرد، ابعاد و نقوش متداول در آن بررسی کرده‌است. علوی در مقاله «نقش‌مایه‌های گبه

کاربرد آن در طراحی لباس شناخته شود. با توجه به آنچه ذکر شد، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با نگاهی متفاوت، به درک بهتری از وضعیت دست‌بافته‌های کاربردی عشایر، به‌عنوان یک سرمایه فرهنگی و ارائه کاربردهای متناسب با اقتضای زمان امروز دست یابد و از آنجا که تحلیل سبک زندگی و مصرف، نویدبخش نگاه واقع‌گرایانه‌تر به زندگی انسان است و اشکال جدیدی از رابطه فرد و اجتماع را ایجاد می‌کند و در دو دهه گذشته مورد توجه بسیاری از محققان مانند پیر بوردیو بوده‌است، می‌توان بخش عمده‌ای از این ایده‌ها را در جامعه ایران و به‌خصوص در زمینه سرمایه‌های فرهنگی به کار گرفت.

مبانی نظری

بسیاری از نظریه‌پردازان در نوشته‌های خود "سبک زندگی" را مفهوم‌پردازی کرده‌اند که در این میان منسجم‌ترین بحث توسط پیر بوردیو ارائه شده‌است؛ بر این اساس در مقاله حاضر سعی شده‌است مرتبط با جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل سبک زندگی در نظر بوردیو، "نظریه میدان" که بخشی از نظریه "عمل" و چه بسا مشهورتر از آن است در نظر گرفته شود که واژگان و مفاهیمی چون میدان، سرمایه، منش و ذائقه را دربر می‌گیرد و درک و شرح آن‌ها لازمه پیشبرد پژوهش حاضر می‌باشد.

به‌طورکلی بوردیو به زندگی روزمره به‌صورت ناآگاهانه و در بطن روابط عینی با تمرکز بر شرایط مادی، اجتماعی و فرهنگی ساخته‌شده از ادراکات و تجربه‌های فردی توجه دارد؛ یعنی از نظر وی سبک زندگی، ترجیحات تجسم‌یافته افراد است که عملی، قابل مشاهده و غیر تصادفی شده‌است. درواقع سبک زندگی، فعالیت‌های نظام‌مند مستخرج از سلیقه افراد است که به‌صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد و الگوهای مصرف یا کاربرد، اصلی‌ترین بروز آن هستند؛ چراکه اقتصاد جدید، اخلاق تولید را به نفع اخلاق مصرف نفی می‌کند (Bourdieu, 1984: 285 - 310). به‌زعم وی این الگوی مصرف موجب بازتولید جامعه‌ای می‌شود که به‌عنوان یک فضای اجتماعی غیر یکپارچه، دارای حوزه‌های گوناگون زندگی، هنر، علم، دین و نظایر آن در حکم مدل‌های کوچکی از قاعده‌ها و اشکال قدرت با نام "میدان" است (Bourdieu, 1995: 132).

در ایل بختیاری» (۱۳۸۹) به شناسایی گبه‌های بختیاری به لحاظ نقش و رنگ پرداخته‌است. همچنین می‌توان از کتاب دست‌بافته‌های تخت لری و بختیاری (۱۹۷۶) از فرانچیس و وارتایم، پژوهشی درباره ایل بختیاری (۱۳۸۷) اثر امیراحمدیان، کتاب‌های نمکدان (۱۳۸۰)، جل‌های عشایری و روستایی ایران (۱۳۷۷)، تاجه‌های بختیاری (۱۳۷۷) و نان‌ونمک (۱۳۷۰) همه از تناولی، نام برد.

در حیطه آسیب‌شناسی می‌توان گفت به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظریه‌پردازی‌های هنر، پژوهش‌هایی با اهداف گوناگون انجام شده‌اند که به نوعی چارچوب این رویکرد را مشخص می‌کنند؛ اما به دست‌بافته‌های عشایری و هنرهای دستی با هدف فرهنگی و کاربردی در جهت مطابق‌سازی و بازگرداندن آن‌ها به چرخه مصرف و ارتباط با سبک زندگی امروزی، کمتر توجه شده‌است. از این میان می‌توان به این مطالعات اشاره کرد: اسپنانی در مقاله «آسیب‌شناسی احیای طرح و نقش قالی‌های عشایری و روستایی» (۱۳۸۶) به‌ضرورت احیای طرح و نقش، مصون‌سازی آن از صدمات موجود، شناسایی آسیب‌ها و علاوه بر آن، مطالعه و ریشه‌یابی علل آن‌ها می‌پردازد. زاهدی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «کاربرد طرح‌ها و نقوش دست‌بافته‌های شاهسون در زندگی روزمره شهری» (۱۳۹۳) طرح‌ها و نقوش گلیم‌های عشایر شاهسون را شناسایی کرده‌است تا از این طریق به بهره‌گیری از آن‌ها در زندگی شهری بپردازد. پرنده در پایان‌نامه خود با عنوان «طراحی و ساخت مجموعه مبلمان خانگی با رویکرد احیای حضور دست‌بافته‌های ایرانی در زندگی روزمره» (۱۳۹۴)، با طراحی سنتی و جدید از مبل قالی، به ابداعی نو برای کاربرد دوباره قالی دست‌بافته که گامی مؤثر در جهت کاربری جدید حداقل یکی از دست‌بافته‌ها به شمار می‌رود، پرداخته‌است. باقری کودکانی در پایان‌نامه خود با عنوان «آسیب‌شناسی پارچه‌های دست‌بافت ابریشمی و کاربرد آن در طراحی لباس؛ مطالعه موردی چادرشب ابریشمی رنگ‌رزی‌شده با رنگینه‌های طبیعی شمال ایران» (۱۳۹۷) مشکلات موجود در روند تولید چادرشب ابریشمی و رنگ‌رزی الیاف آن را بررسی کرده‌است تا عوامل کاهش تولید و روش‌های مؤثر در بهبود کمی و کیفی چادرشب، برای حضور دوباره آن در زندگی امروزی و

دارد درحالی که گروه دوم بر تغییر قوانین اهتمام می‌ورزد و این نزاع بیش از آنکه بر سر کسب سرمایه فرهنگی باشد، به دیگر سرمایه‌ها مانند سرمایه نمادین و اقتصادی توجه دارد؛ یعنی از آنجا که «استقلال میدان منوط به دو معیار: مستقل و وابسته تعیین می‌شود» (پرستش، ۱۳۸۵: ۷)، در میدان هنر نیز، توجه به ارزش‌های ناب دست‌بافته‌ها به‌نحوی که یک هنر دانسته شوند و بر مبنای خصوصیات خاصشان سنجیده شوند، معیار مستقل به شمار می‌آید که بیشتر متوجه کسب سرمایه نمادین است و گروه نخست این منازعه را دربرمی‌گیرد؛ در صورتی که معیار وابسته، دست‌بافته‌ها را صرفاً یک حرفه می‌بیند و بر موفقیت در فروش یا کسب سرمایه اقتصادی تمرکز دارد و گروه دوم را شامل می‌شود. حال با توجه به اینکه تا زمانی که انسجام و اشتراک هدف بین این دو گروه به وجود نیاید، رقابت همچنان به سرمایه‌های دیگر کشیده می‌شود، می‌توان گروه سومی را در نظر گرفت که با تلفیق طرح‌ها و خصوصیات دو گروه مذکور میدان قدرت را به دست گیرد و کسب و کاربرد دست‌بافته‌ها را به‌عنوان سرمایه فرهنگی و در عین حال کالایی مصرفی امکان‌پذیر نماید. همان‌گونه که بورديو نیز اشاره دارد این نواندیشی باید به شکل‌ها و شیوه‌های متفاوت و جدیدی متوسل شود تا بتواند توأمان جایگاه هنری و مصرفی را به دست آورد. هم‌چنین در این میان منش کنشگران دارای اهمیت است؛ چراکه وجود تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ای که در منش خود به دست‌بافته‌های مصرفی و در عین حال هنرمندانه اعتقاد داشته باشد، سبب بازتولید و تقویت این قطب خواهد شد.

درواقع به برداشت بورديو "منش" یا "عادت‌واره"، نظامی از تمایلات بادوام و در عین حال قابل‌تغییر و قابل‌انتقال است که ویژگی مصرف در هر طبقه را تبیین می‌کند و دو دسته نظام؛ یکی برای طبقه‌بندی اعمال و دیگری برای ادراکات و قریحه‌ها تولید می‌کند که با تعامل این دو نظام، سبک زندگی فرد شکل می‌گیرد. در حقیقت منش بر اساس ضوابط و منطقی که میدان تولید کرده‌است، به اعمال و رفتار فرد شکل و فرم می‌دهد؛ کار تفاوت‌گذاری میان خوب و بد، خیر و شر، محترم و مبتذل و غیره را منش انجام می‌دهد و چون واسطه‌ای میان دوگانگی‌هایی متضاد، عمل می‌کند (گرنفل، ۱۳۸۸:

بر این اساس، جامعه مدرن به فضاهایی خرد تقسیم می‌شود که هر یک میدان نامیده می‌شوند و در عین درگیری با میدان قدرت، از استقلال نسبی برخوردارند. به‌واقع میدان یک جهان اجتماعی واقعی است که مطابق قوانین خود، شکل خاصی از سرمایه در آن انباشته می‌شود و مناسبات ویژه قدرت در آن جریان دارد؛ به این معنا که هر میدان با نوع سرمایه موجود در آن و استقلال نسبی تعریف می‌شود (پرستش، ۱۳۸۵: ۷). سرمایه: بورديو از میان چهار محور "سرمایه" اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین، "سرمایه فرهنگی" را در جامعه‌شناسی مصرف و سبک زندگی مهم‌تر می‌داند؛ چراکه سرمایه فرهنگی، قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی است که در نتیجه اجتماعی‌شدن در هر فرد شکل گرفته‌است؛ مانند «سلیقه‌های خوب، شیوه پسندیده، شناختن، توانایی پذیرش و مصرف محصولات فرهنگی از قبیل هنر، موسیقی، ادبیات و...» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸). این سرمایه فرهنگی در سه نوع: ۱. سرمایه فرهنگی مرئی؛ مانند یک استعداد پایدار جسمی ۲. سرمایه فرهنگی عینی؛ مانند کالاهای فرهنگی و مادی شامل نقاشی و آثار هنری ۳. سرمایه فرهنگی نهادی؛ مانند صلاحیت‌ها و مدارج علمی، طبقه‌بندی می‌شود (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۵: ۴۱۳)؛ بر این اساس دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری، سرمایه فرهنگی عینی محسوب می‌شوند که فقط در میدانی که در آن قرار دارند، امکان به‌دست‌آوردنشان مقدور است. حال از آنجا که موقعیت افراد در هر میدان وابسته به سرمایه آن‌ها تعیین می‌شود، عاملان اصلی هر میدان "بازیگرانی" خواهند بود که از سرمایه و توانایی تعریف اهداف بالاتری برخوردارند؛ در واقع در یک میدان، همواره بین کنشگران منازعه‌ای وجود دارد که در دو جهت سرمایه و تغییر قواعد حاکم بر میدان، صورت می‌گیرد و کنشگران از یک‌سو در پی کسب سرمایه‌های میدان و از دیگرسو به دنبال تغییر قواعد میدان به نفع خود هستند؛ در این معنا همواره دو گروه در میدان به وجود می‌آید که یکی قصد حفظ سنت‌ها را دارد و دیگری سنت‌شکن است و سعی در تغییر قواعد دارد. بر این مدار امروزه در میدان هنر در خصوص دست‌بافته‌های عشایر بختیاری نیز منازعه در جریان است و گروه نخست بر حفظ قواعد موجود تأکید

آن جامعه‌شناسی هنر با تأکید بر نظریه پیر بوردیو در خصوص مصرف و سبک زندگی است و به این منظور فقط از نظریه میدان و مؤلفه‌های مرتبط با آن استفاده کرده و مقید به روش‌شناسی وی نبوده‌است. از این‌رو به دست‌بافته‌های بختیاری به‌عنوان سرمایه فرهنگی که از سبک زندگی امروزی در میدان هنر، نوع مصرف در زمینه کاربرد، نوع منش و ذائقه در زمینه زیبایی‌شناسی اثر پذیرفته، نگاه شده‌است. مطالب به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه باز، مشاهده مشارکتی) جمع‌آوری شده‌است. تحلیل داده‌ها بر پایه تحلیل مضمون و ارائه الگو بر مبنای آسیب‌شناسی بوده‌است؛ یعنی پس از انجام هر مصاحبه، پرسش‌نامه سیال یا داده‌های صوتی، تصویری و مکتوب، به خردکردن عناصر آن، کدگذاری و یادداشت‌نویسی پرداخته و در نتیجه به ارتباط میان آن‌ها با مؤلفه‌های بوردیو رسیده‌است. در نهایت تفسیر مقوله‌ها و ارائه راهکار، با تأمل در روابط بین مقولات صورت پذیرفته‌است.

۱۰۸ - ۱۱۱). بر این اساس یک رفتار یا یک کالا همچون دست‌بافته‌های بختیاری، می‌تواند به نظر یکی محترمانه و کاربردی، از نظر دیگری متظاهرانه و به نظر فرد دیگر مبتذل باشد. به این برداشت "ذائقه"، محصول منش، مؤثر در انتخاب سبک زندگی و نوع مصرف افراد است؛ همان‌طور که بوردیو نیز اشاره دارد ذائقه، توانایی گروهی از اعمال یا اشیا به‌صورت مادی یا نمادی و یا مجموعه‌ای از ترجیحات متمایزکننده است که پیوند میان بعضی محصولات و مصرف‌کننده آن‌ها را نشان می‌دهد (Bourdieu, 1984: 173). در نتیجه در هر فرهنگی ذائقه‌هایی نهفته است که خود بازتاب یک موقعیت مصرف است و چنین حکمی به آثار هنری همچون دست‌بافته‌های عشایری نیز قابل اطلاق است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی و از نوع مطالعات مردم‌نگاری و از لحاظ ماهیت کیفی است. رویکرد

جدول ۱: فهرست سؤالات مصاحبه (نگارندگان: ۱۳۹۶)

ردیف	سؤالات
۱	شناخت شما نسبت به کدام یک از دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری بیشتر است؟
۲	آیا امروزه از دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری در زندگی خود استفاده می‌کنید؟ چه مصرفی؟
۳	چرا امروزه این دست‌بافته‌ها مانند گذشته از مصرف بالا برخوردار نیستند؟
۴	چگونه تغییر سبک زندگی، در استفاده از دست‌بافته‌ها تأثیرگذار بوده‌است؟
۵	نقش مصرف‌کننده و ذائقه او را در توسعه این محصولات به چه صورت می‌بینید؟
۶	حضور دست‌بافته‌ها در چه سطح و سبکی می‌تواند به تلطیف زندگی صنعتی کمک کند؟
۷	آیا دست‌بافته‌های عشایر بختیاری امکان کاربرد مجدد و جدید در زندگی معاصر دارند؟ چه کاربرد و راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟
۸	اگر رنگ و نقش به‌عنوان عوامل زیبایی در کاربری جدید دست‌بافته‌ها مطرح باشد، کدام رنگ‌ها و نقوش را در آن‌ها می‌پسندید؟

(کسبه و فعالان اقتصادی در زمینه دست‌بافته‌های عشایر)، مصرف‌کنندگان (نمونه‌های عامی) و صاحب‌نظران (نمونه‌های تحصیل کرده در رشته‌های مختلف و فعالان در حوزه‌های اجرایی، اقتصادی، فرهنگی و غیره) مشخص شدند.

نمونه‌گیری به‌صورت غیر احتمالی و بر مبنای شیوه گلوله "برفی انجام شده و تعداد نمونه‌ها نیز بر اساس اشباع اطلاعاتی تعیین شده" است. این تعداد بین ۳۰ تا ۴۰ نفر مرتبط با موضوع پژوهش متغیر بوده که در نهایت تعداد ۳۴ نفر در گروه‌های تولیدکننده (تولیدکنندگان عشایر بختیاری)، عرضه‌کننده

جدول ۲: حجم نمونه‌ها (نگارندگان: ۱۳۹۶)

نمونه‌ها	کد	مصاحبه‌شوندگان	ویژگی‌ها	شهر یا روستا
تولیدکننده	۱	هما قبادنیک	ایل هفت‌لنگ بختیاری، طایفه بارزی، کوچ‌نشین تا سال ۱۳۶۵، هفتادساله	روستای باغ انار
	۲	فاطمه احمدی	ایل هفت‌لنگ بختیاری، طایفه میلاسی، کوچ‌نشین تا سال ۱۳۶۷، چهل‌ساله	روستای میلاس
	۳	مریم جلیلیص	ایل هفت‌لنگ بختیاری، طایفه جلیلی، کوچ‌نشین تا سال ۱۳۷۰، چهل‌وپنج‌ساله	روستای شش بهره
	۴	طلا احمدی	ایل هفت‌لنگ بختیاری، طایفه میلاسی، کوچ‌نشین، بیست‌وشش‌ساله	روستای میلاس
	۵	مژگان مرادی	ایل هفت‌لنگ بختیاری، طایفه مرادی، کوچ‌نشین تا سال ۱۳۷۳، سی‌وپنج‌ساله	روستای مردانی
	۶	گل‌جان جلیل پیران	ایل هفت‌لنگ بختیاری، طایفه جلیلی، کوچ‌نشین، پنجاه‌وشش‌ساله	روستای شش بهره
	۷	ماه‌طلا خلیل طهماسبی	ایل هفت‌لنگ بختیاری، طایفه خلیلی، کوچ‌نشین تا سال ۱۳۸۰، شصت و پنج‌ساله	روستای خلیل‌آباد
عرضه‌کننده	۸	حسین چپ‌نویس	تولید و فروش فرش، پنجاه‌ودوساله	اصفهان
	۹	رسول استادان‌فر	فعال اقتصادی حوزه فرش، چهل‌وهشت‌ساله	اصفهان
	۱۰	رضا آقاجانی	فروشنده و مرمتگر دست‌بافته‌های عشایر ایران، پنجاه‌وچهارساله	اصفهان
	۱۱	اصغر رضایی	فعال اقتصادی حوزه فرش و گلیم دست‌بافت بختیاری، سی‌وهشت‌ساله	اصفهان
	۱۲	باقر صیرفیان	رییس اتحادیه صنف تولیدکنندگان فرش دست‌بافت اصفهان، پنجاه‌وهفت‌ساله	اصفهان
	۱۳	امیر آقاجانیان	فعال اقتصادی حوزه فرش، چهل‌وپنج‌ساله	اصفهان
	۱۴	محمد محمودیان	فعال اقتصادی حوزه بافته‌های بختیاری، شصت‌ساله	اصفهان
مصرف‌کننده	۱۵	سیدعلیرضا علوی	حوزوی، هجده‌ساله	شهرکرد
	۱۶	لیلی صفری	کارشناسی گرافیک، بیست‌وشش‌ساله	اصفهان
	۱۷	علی‌احمدی‌پرست	دانشجو کارشناسی معماری، بیست‌ساله	اصفهان
	۱۸	علیرضا بیدرام	طلبه، بیست‌ساله	اصفهان
	۱۹	مهرداد رنجبر	فوق‌دیپلم ریاضی، بیست‌وشش‌ساله	شهرکرد
	۲۰	هدی رحیمی	کارشناسی زبان انگلیسی، بیست‌وهشت‌ساله	اصفهان
	۲۱	مه‌ری مرادی	دیپلم حسابداری، بیست‌وپنج‌ساله	شهرکرد
صاحب‌نظر	۲۲	مهدی ابراهیمی علویجه	دکتری، فعال حوزه فرش و دست‌بافته‌ها، سی‌وپنج‌ساله	اصفهان
	۲۳	حسین حسینی	کارشناس معماری، طراح و مدیر شرکت دکوراسیون داخلی زاگرس در استان چهارمحال‌وبختیاری، سی‌وپنج‌ساله	شهرکرد
	۲۴	محسن محمدی میلاسی	مهندس معمار، طراح دکوراسیون داخلی شرکت پویا در استان چهارمحال‌وبختیاری، سی‌وهشت‌ساله	شهرکرد
	۲۵	مهدی زمانی	دانشجوی کارشناسی طراحی صنعتی، بیست‌وهشت‌ساله	اصفهان
	۲۶	محمد قاسمی	دانشجوی کارشناسی طراحی صنعتی، سی‌ساله	اصفهان
	۲۷	فریدحالتی	کارشناسی طراحی صنعتی، بیست‌وسه‌ساله	اصفهان
	۲۸	عارف راعی	کارشناسی ارشد معماری، بیست‌وهفت‌ساله	اصفهان
	۲۹	رسول رحیمی	کارشناس رشته فرش، بیست‌وچهارساله	اصفهان
	۳۰	احسان برزگر	کارشناس رشته فرش، بیست‌وچهارساله	اصفهان
	۳۱	مهدی مرادی	کارشناسی ارشد هنر اسلامی، سی‌ساله	اصفهان
	۳۲	حسین غلامی	دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت آثار، بیست‌وهفت‌ساله	اصفهان
	۳۳	نیوشا مؤمنی	دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت آثار، بیست‌وپنج‌ساله	اصفهان
	۳۴	علیرضا جعفری	کارشناسی ارشد مرمت آثار، بیست‌ونه‌ساله	اصفهان

شامل پالان (نوعی پوشش چهارپایان که بر پشت حیوانات به‌ویژه الاغ و اسب می‌اندازند)، پیش‌سینه یا سینه‌پوش (به‌عنوان تزئینی برای حیوان و معمولاً در عروسی‌ها استفاده می‌شد) و یراق‌آلات (برای پوشش و تزئین سر (کلاه) یا به‌عنوان پوزه‌بند حیوان و نوعی دیگر به‌عنوان زانوبند، کاربرد داشته‌اند) است که تعداد محدودی از آن‌ها امروزه موجود است.

۵. بندها: بافته‌های نواری شکل که شامل این موترد است: ۱. وریس (تنگ، نوار) در دو نوع کاربردی و تزئینی که برای جابه‌جا کردن مشک آب، مشک‌زنی، حمل هیزم و مواد سوختی، شکم‌بند، سربند، تنگ اسب، سینه‌بند، به دام انداختن حیوان، بند خورجین و تزئین لباس، دور یقه، لبه لباس، کمر شلوار و سیاه‌چادر استفاده شده‌اند (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۱۴۵-۱۴۶)، ۲. آوارته‌ده، بافته نواری دیگر برای حمل گهواره بچه بر پشت مادر، ۳. بندهای آویز که در آراستن چادرها، بستن منگوله‌ها روی وریس، سینه‌بند حیوان، آویز ورودی چادر و یا به‌عنوان حلقه یا بندی برای بستن مفرش، خورجین، نمکدان و ... استفاده شده‌اند، ۴. شیردنگ که از نظر بافت، همانند وریس است، تفاوت عمده آن با وریس در عرض کم و طول زیاد و همچنین تعبیه منگوله‌ها (آویزهای پشمی الوان) به‌منظور زیبایی است.

۶. بهون یا سیاه‌چادر، همواره به‌مثابه بهترین مسکن عشایر کوچ‌رو در چهارفصل، مطرح بوده و به دلیل سهولت در برافراشتن، تهیه و حمل‌ونقل، با این شیوه زندگی سازگار است.

زیبایی‌شناسی: در بافته‌های بختیاری "نقوش و رنگ‌ها" جنبه تزئینی و یا کاربردی صرف ندارند؛ بلکه ویژگی‌های زیباشناسانه‌ای که بعضی متمایل به انگاره‌های شکل‌گرایانه (فرمالیستی) است بر آن‌ها قابل انطباق بوده‌است (ابراهیمی ناغانی، ۱۳۹۳: ۲۵). فرم نقوش دست‌بافته‌ها در ابتدا نشانگر سطح ساده و ابتدایی ذائقه‌های آن فرهنگ و در نگاهی عمیق‌تر نمایان‌کننده بارزترین محصولات ایده‌ئال زیباشناختی مردم بختیاری است که ارزش‌ها و ویژگی‌های تصویری خود و دنیای ناب و خاص خود را عرضه می‌دارند. نقوش این بافته‌ها را می‌توان به لحاظ شکل و فرم در دو نوع "طبیعی" و "هندسی"

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

این قسمت در سه بخش تنظیم شده‌است که ابتدا به مطالعه دست‌بافته‌های بختیاری در حکم سرمایه فرهنگی در دو حوزه "کاربرد و زیبایی‌شناسی" پرداخته شده؛ سپس بر اساس فرآیند آسیب‌شناسی؛ وضعیت مطلوب، وضعیت موجود و آسیب‌های دست‌بافته‌ها شناخته شده و بر مبنای مصاحبه‌ها، کدها و مفاهیم مرتبط با آرای بوردیو بررسی شده و در نهایت بر پایه کدهای به‌دست‌آمده، راهکارها و کاربردهای جدید ارائه و تحلیل شده‌است.

دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری (سرمایه

فرهنگی)

کاربرد: آثار هنری به‌سادگی می‌توانند بیان‌کننده زیبایی باشند؛ اما هدف کارایی و استفاده روزمره باید از قبل برایشان در نظر گرفته شود. آنچه در دست‌بافته‌های عشایر بختیاری در عین برخورداری از زیبایی مطرح بوده، کاربردی بودن آن‌ها است. این بافته‌ها را از حیث کاربرد می‌توان در شش گروه طبقه‌بندی کرد: الف. کیسه‌ها یا محفظه‌ها: بافته‌هایی که برای حمل‌ونقل و نگهداری وسایل گوناگون عشایر استفاده شده‌اند و همواره مانند صندوقچه‌ای قابل حمل، با اتصال بندینکه و زدن قفل به درب آن‌ها کامل بسته شده‌است. کیسه‌ها را می‌توان به دو گروه: ۱. دولته‌ای مانند خورجین، هورژ و تاجچه و ۲. تک‌لته‌ای مانند مهده، مفرش، نمکدان، جوال و توره (توره)، تیردان، قاشقدان، هور و چننه تقسیم کرد (افروغ، ۱۳۹۷: ۶۶).

ب. مفروش‌ها: شامل بافته‌هایی چون قالی و قالیچه، گلیم، گبه و پلاس در جنس، طرح، رنگ، بافت، اندازه و ضخامت‌های متفاوت، که همواره به‌عنوان زیرانداز عشایر کاربرد داشته‌اند.

ج. زیراندازها و روانداها: شامل جاجیم، لی، جل و سفره که از این میان سفره برای عشایر از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌است. عشایر علاوه بر سفره غذا، دارای سفره عقد در عروسی‌ها و دو-سه عدد سفره آردی بوده‌اند که اکثراً بدون نقش و دارای بار معنایی عرفانی بوده و جنبه احترام به برکات الهی را داشته‌است (تناولی، ۱۳۸۰: ۲۳).

د. دست‌بافته‌های مربوط به چهارپایان مرکب: این گروه

در اینجا میدان هنری دست‌بافته‌ها چه از نظر کاربرد و چه در نگاه زیبایی‌شناسی، هنری ناب را دربر می‌گیرد که بر سرمایه نمادین آن‌ها تأکید دارد؛ به عبارتی دست‌بافته‌های کاربردی بختیاری را در میان عشایر و روستاییان می‌توان هم‌سو با اهداف و اندیشه‌های این قشر دانست. هم‌چنین می‌توان به جمعی نیز اشاره کرد که به خواسته‌های بازار و کارفرمای خود توجه بیشتری دارند و برخی بافته‌های پررونق‌تر همچون قالی و قالیچه را با اولویت کسب سرمایه اقتصادی می‌بافند، در این میان اولویت افراد معدودی، سرمایه‌ای فرهنگی با استفاده از عقاید سازنده و نو است که بیشتر آن‌ها نیز به دلیل ناهماهنگی با خواست جامعه و بازار امروز، از فعالیت کنار کشیده‌اند؛ لذا شرایط موجود در این میدان هنری بایسته تغییر است و شاید با آسیب‌شناسی، توجه به بافته‌ها از دریچه سرمایه فرهنگی بودن، ممکن شود.

آسیب‌شناسی

بر پایه یک روند آسیب‌شناسی، ابتدا وضعیت مطلوب موضوع، سپس وضعیت موجود آن و در نهایت فاصله بین این دو که همان آسیب‌هاست، مشخص می‌شود و با شناخت آسیب‌ها و علل وجود آن‌ها، راهکارهای مناسب برای رسیدن وضعیت موجود به وضعیت مطلوب تبیین می‌شود.

جدول ۳: مراحل آسیب‌شناسی (جهانگیر فرد و سلمان، ۱۳۸۹: ۴۳)

مهارت‌های موردنیاز	مراحل آسیب‌شناسی	
آگاهی از اهداف	شناخت وضعیت مطلوب	مرحله اول
آگاهی از جریان امور	شناخت وضعیت موجود	مرحله دوم
آگاهی از جریان امور - تخصص - توانایی پژوهش - خلاقیت	شناخت آسیب‌ها	مرحله سوم

سازد. حال با توجه به اینکه در هر یک از محصولات فرهنگی و هنری برخاسته از اقوام، مانند دست‌بافته‌های عشایر بختیاری، نظام‌های ارزشی و فرهنگی خاصی نهفته است و هدف، حفظ این وجوه فرهنگی و به‌کارگیری توأم با احترام به تمامی ارزش‌های جای‌گرفته در آن‌هاست؛ در اینجا سعی بر آن است که سطح مطلوب دست‌بافته‌ها در میدان هنری در دو حوزه کاربرد و زیبایی‌شناسی تعیین گردد تا با توجه به شناخت حاصل از آن، ارزیابی‌های بعدی امکان‌پذیر شود:

تقسیم کرد که با بهره‌گیری از شکل‌های مربع، لوزی، مثلث و خطوط شکسته، منحنی و مستقیم و با تأثیر از محیط اطراف، اعتقادات، خیال‌پردازی و گشاده‌دستی این قوم، طیف وسیعی از نقوش را پدید آورده‌اند. به‌طور کلی نقوش دست‌بافته‌های بختیاری در دو دسته کلی قرار می‌گیرد: الف. نقوش اصیل شامل چهار گروه: نقوش حیوانی (جانوری، پرندگان)، گیاهی (گل‌بوته‌های انتزاعی)، انسانی و اشکال هندسی و متفرقه (گنات، اره، سیخ، آچار و ...) و ب. نقوش اقتباسی شامل بخش کوچکی از نقوش عشایر قشقایی که طی مرادده با عشایر بختیاری، با نقوش آن‌ها آمیخته شده‌است.

انتخاب رنگ و تلفیق آن با سایر رنگ‌ها در دست‌بافته‌ها معمولاً بدون نقشه بوده و از ذهن هنرمند نشأت گرفته‌است که اغلب از رنگ‌های قرمز، سیاه، آبی نفتی، زرد و سبز تیره استفاده شده‌است. شاید بتوان گفت این طبقه‌بندی از طیف رنگ، قراردادی فرهنگی است و اعضای فرهنگ‌های دیگر طیف رنگ را به‌گونه‌ای متفاوت به‌کار می‌برند (کیانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۸). به‌طور کلی می‌توان گفت بختیاری‌ها از رنگ‌های وابسته به ادراک، خلاقیت، سنت‌ها، عقاید محلی و طبیعت اطراف خود استفاده می‌کنند، حتی اگر بازتولید آن بعید باشد؛ در نتیجه هیچ محدودیت رنگی جز در مواردی که مجبور به استفاده از تکنیکی خاص هستند یا استفاده از ماده اولیه خود رنگ و یا پیروی از یک سنت، وجود ندارد.

در پژوهش حاضر نیز آسیب‌شناسی دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری با تکیه بر مراحل که در بالا ذکر شد، صورت گرفته‌است و حاصل ارزیابی گونه‌های آسیب، در دو حوزه کاربرد و زیبایی‌شناسی در هر کدام از مراحل آسیب‌شناسی به تفسیر زیر مشخص شده‌است:

مرحله اول: شناخت وضعیت مطلوب

منظور از وضعیت مطلوب، وضع مورد انتظار و پیشنهاد موضوع است که باید به‌گونه‌ای تعریف شود که اهداف را برآورده

ب. سطح مطلوب در حوزه زیبایی‌شناسی (منش و ذائقه):
 انسان تمایلات زیبایی‌شناسانه خود را در وضعیت مطلوب در انتخاب‌ها و ساخته‌هایش دخالت می‌دهد که بخش مهمی از ادراک زیبایی یعنی ادراک معنا، نشانه‌ها و نمادها، مشخص‌کننده خصوصیات ارتباط مردم با یکدیگر از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی و خاطرات جمعی است و در بیشتر عملکردها و فرم‌های آشنا انتقال می‌یابد (امین‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۹). درواقع این ادراکات و تمایلات زیباشناختی متفاوت، سبک‌های زندگی متنوع را ایجاد می‌کنند؛ ادراکاتی ناشی از منش که پیامد جایگاه فرد در جامعه به فراخور میزان برخورداری از سرمایه فرهنگی است (Bourdieu, 1984: 173). لذا ذائقه و سلیقه از عوامل تأثیرگذار در تولید آثار هنری، در سطح مطلوب است؛ چراکه مردم در تجارب روزانه خود، اجزای طراحی‌شده را تجربه می‌کنند و به‌طور ناخودآگاه حواس خود را برای حساسیت‌های زیبایی آموزش می‌دهند. درواقع آن بخش از زیبایی که به سلیقه مربوط است، آموختنی است و تجربه آثار و محصولات فرهنگی و هنری، همچون دست‌بافته‌ها امکانی برای ارتقا و یا تغییر سلیقه زیبایی‌شناسی فراهم می‌کند که بر وضعیت فرمی و محتوایی خود آن نیز تأثیر می‌گذارد؛ یعنی از طرفی استعدادهای خلاق بافنده و تولیدکننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طرفی نیز حجمی از بافته‌ها، تابع نوعی مدگرایی می‌شود و آثاری به میدان قدرت راه پیدا می‌کنند که ویژگی‌های دکوراتیو دارند و یا یک شهرت نشانه‌ای از ذوق هنری دارنده اثر محسوب می‌شود (Vazquez, 1973: 84؛ باغبان ماهر و جهانگرد، 1394: 25).

مرحله دوم: شناخت وضعیت موجود

منظور از وضع موجود، حالت فعلی موضوع و نمونه‌ای از به‌چالش‌کشیدن وضع آن است؛ یعنی آنچه در محیط پیرامونی ما می‌گذرد، تا نقصان‌ها، معایب و کمبودها در جهت توجیه یک برنامه بهبوددهنده استفاده شوند. بر این اساس می‌توان گفت در حال حاضر دست‌بافته‌های عشایر بختیاری به دلیل نبود شناخت کافی (همان‌که بوردیو نیز به لزوم وجودش در مورد چیزها برای پذیرش جامعه و ورود به زندگی اشاره می‌کند)، تغییرات زمینه‌ای و جایگزینی شیوه‌های جدید مصرف، با چالش تمایل اجتماعی مواجه‌اند؛ به عبارتی میدان هنری این محصولات در وضعیت موجود، از استقلال نسبی برخوردار نیست و رقابت همچنان به

الف. سطح مطلوب در حوزه کاربرد (مصرف): انسان یک موجود مصرفی است؛ یعنی برای بقا، به غذا، سرپناه، لباس و ... نیاز دارد؛ اما به‌جز این‌ها به مصرف‌هایی فراتر از تأمین بقا احتیاج دارد؛ مصرف‌هایی از نوع فرهنگی که مثلاً از یک شیء برای لذت یا برای ایجاد تمایز جایگاهی و یا رهایی از شرایط، استفاده می‌شود. بوردیو نیز مصرف‌کننده‌شدن را نیازمند به‌وجودآوردن ناخودآگاه و ذخیره‌ای مناسب از نمادهای فرهنگی و نه صرفاً فرآیندی زیست‌شناختی می‌داند (Story, 1999: 255). درواقع کاربرد یا مصرف، زمانی در وضعیت مطلوب است که مصارف از نیازهای اولیه به کاربردهای درمانگر، فراغتی، خودنمایانه و ... تبدیل شوند و کاربرد یک محصول به لحاظ اجتماعی و زمینه‌ای، بازتابی از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی که ویژگی گروهی از افراد جامعه را شکل می‌دهد، باشد (باکاک و تامپسون، ۱۳۹۱: ۱۷۱)؛ یعنی اگرچه در ابتدا کاربرد آثار فرهنگی همچون دست‌بافته‌ها، می‌تواند فعالیتی اقتصادی تصور شود؛ اما در سطح مطلوب امری فرامعیشتی است و مردم فقط ظاهر فیزیکی آن‌ها را مصرف نمی‌کنند؛ بلکه در تعاملات اجتماعی، آن‌ها را به‌عنوان عنصری فرهنگی به کار می‌گیرند که در قالب زندگی سهم بسزایی در تمایز بر عهده دارند و در جامعه‌ای که افراد تشویق می‌شوند از اثر یا محصولی استفاده کنند و آن را در چرخه کاربری حفظ کنند، این رفتار اجتماعی نوعی راهبرد فرهنگی تلقی می‌شود. درواقع مصرف و به‌ویژه مصرف فرهنگی ابزاری برای تولید فرهنگی، مبارزه در فضای اجتماعی، مشروعیت‌سازی و چیزی بیش از برآوردن خواسته‌های زیستی است؛ چراکه درگیر تولید و بازتولید جامعه است (Story, 1999: 255). زندگی معاصر نیز نشان می‌دهد که جامعه در وضعیت مطلوب، استعداد مناسبی برای تغییر از طریق "کاربرد و مصرف فرهنگی" دارد. در این میان دست‌بافته‌های عشایر بختیاری به‌عنوان شکل جدیدی از مصرف فرهنگی در اعمال قدرت و حتی مقاومت به میدان نیاز دارد؛ میدانی که گاه از طریق مصرف در زندگی و گاه از طریق تعدی به مصارف هنری ایجاد می‌شود؛ لذا در سطح مطلوب استفاده از کالاهای فرهنگی و هنری چون دست‌بافته‌ها، جغرافیای مصرف خاصی ندارند؛ بلکه فرهنگ یک جامعه، آن محصولات را بر اساس تمایلات خود به‌کار می‌گیرد و در جهت حفظ و دوام آن گام برمی‌دارد.

آن اشاره دارند، به خودی خود در نقش کاربردی دست‌بافته‌های بختیاری اولویت واقع شده‌است و مسائلی ناشی از تغییر ذائقه (کدهای ۱۴، ۱۲ و ۸)، عرصه‌های زندگی معاصر، جهانی شدن و مد تبدیل به چالش‌هایی در این زمینه شده‌است. هم‌چنین نوع محصولات، حس چه کسی بودن و جایگاه اجتماعی خاص را در وضعیت موجود جامعه شکل داده‌است (کدهای ۱۰ و ۹)؛ چنانکه بورديو نیز اشاره دارد که مصرف چون نظامی از نمادها و نشانه‌ها مطرح است و کارکردهایی چون تمایزگذاری اجتماعی را به همراه دارد. دست‌بافته‌های بختیاری نیز به فراخور نگاه سنتی یا نوگرایی مصرف‌کننده، به میزان متفاوتی از آن برخوردار بوده‌است (اکثر مصرف‌کنندگان). علاوه بر این، همخوانی-نداشتن کاربری این دست‌بافته‌ها با نیازهای امروزی و گرایش به سمت محصولات مشابه وارداتی با ویژگی‌های بهتر و موردنیاز جامعه، موجب کاهش استفاده حتی در میان قشر تولیدکننده شده‌است (کدهای ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۱ و ۳۳).

سرمایه‌های دیگر کشیده شده‌است و یا در اشکال مختلف ارزشی و هنجاری میان سبک‌های مختلف زندگی در معرض استحاله قرار گرفته‌است. البته این استحاله نمی‌تواند آن‌ها را از معنا تهی کند؛ اما قادر است زمینه تمایل اجتماعی یا عدم میل به آن‌ها را فراهم کند که در دو حوزه کاربرد و زیبایی‌شناسی قابل پیگیری است: الف. سطح موجود در حوزه کاربرد (مصرف): سبک زندگی از طریق عادت‌های ویژه‌ای که با تجربه و یا آموزش رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرد، به صورت ذائقه و نوع مصرف افراد در جامعه نمود پیدا می‌کند و به نوعی تجسم الگوهای مصرفی افراد می‌شود (طلایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۵). در واقع با فعالیت‌های آموزشی، انتقال یا تلقین فرهنگ و سبک زندگی در بلندمدت رخ می‌دهد و در این مدت، این فرهنگ به صورت عادت‌واره یا منش که محصول درونی کردن اصول و ارزش‌های فرهنگی است در فرد جا می‌افتد و نوع مصرف فرد را تعیین می‌کند (Bourdieu & Passeron, 1970:47). امروزه این محور قرار گرفتن سبک زندگی، همان‌گونه که هر چهار گروه مصاحبه‌شونده به طرق مختلف به

جدول ۴: وجه کاربردی دست‌بافته‌های عشایر بختیاری در وضعیت موجود (نگارندگان: ۱۳۹۹)

نمونه‌ها	مصاحبه‌شونده	وضعیت موجود	مقوله	ارتباط با مفاهیم بورديو
تولیدکننده	کدهای ۳۲، ۷ و	یک‌جانشین شدن بیشتر عشایر	تغییر در سبک زندگی	سبک زندگی
	کدهای ۲، ۴ و ۵	تقلیل تعداد عشایر معاصر، کاهش تمایل به زندگی عشایری و کوچ‌نشینی، گرایش به نوع زندگی امروزی		
	کدهای ۱، ۴ و ۵	تغییر در سبک انتقال و نحوه کوچ عشایر		
	کدهای ۱، ۵ و ۷	تغییر نیاز در کاربرد بافته‌ها، توجه به مادیات و دوری از سادگی		
عرضه‌کننده	کدهای ۸	وابسته بودن کاربرد بافته‌ها به سلیقه سنتی یا نوگرا	تحول در سلیقه، جایگاه اجتماعی	منش
	کدهای ۹ و ۱۰	نداشتن جایگاه و جنبه اجتماعی در زندگی حاضر		
مصرف‌کننده	اکثر مصرف‌کنندگان	نگرش متفاوت در خصوص کاربرد دست‌بافته‌ها و وجود یک تصویر ذهنی جدید از آن‌ها برای زندگی معاصر	تغییر در نگرش	قریحه
	کدهای ۱۶، ۱۷ و ۲۰	بی‌علاقگی در استفاده از دست‌بافته‌ها		
صاحب‌نظران	کدهای ۲۳، ۲۶ و ۳۱	کمیاب بودن دست‌بافته‌های اصیل	تحول در نیازها نبود برنامه و استراتژی	مصرف
	کدهای ۲۳، ۲۵ و ۲۶	محدود شدن نیازها به استفاده از بافته‌ها در زندگی حاضر		
	کدهای ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۱ و ۳۳	وابسته شدن زندگی به وسایل دنیای معاصر، واردات بافته‌ها و لوازم مورد نیاز معاصر از کشورهای دیگر		
	کدهای ۲۹ و ۳۰	افزایش چشم‌وهم‌چشمی و تنوع‌طلبی در خرید کالاها		
	کدهای ۲۴، ۳۳ و ۳۴	غلبه نقش حسی بافته‌ها بر نقش دکوراتیو و عملکردی		
	کدهای ۲۲، ۲۳ و ۲۸	نبود استراتژی موقعیت‌یابی در مقایسه با کالاها دیگر مانند برجسته کردن مزیت‌ها نسبت به سایر کف‌پوش‌ها یا محصولات دیگر کشورها		

از آن‌ها با حداقل خصایص زیباشناسانه می‌توانند تحت تأثیر مُدگرایی حاکم بر بازار خریدوفروش قرار گیرند و یا با خلاقیت و تمایل به تولید آثار متناسب با سلیقه مشتری روبه‌رو باشند و به‌نوعی بازتاب‌دهنده تقابل سلیقه خالق آن و مشتری شوند (کدهای ۱۶، ۱۹ و ۲۰). به همین جهت است که بورديو نیز اشاره دارد که به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از ذائقه‌ها وجود دارد و به‌وسیله‌ی این سلیقه‌ها و ظرفیت تکثیرکننده آن‌ها مجموعه‌ای از خصلت‌ها به وجود می‌آید (۱۳۸۰: ۸۴). اگرچه "احساس" ناشی از این عناصر زیبا، در نظر گرفته می‌شود؛ اما به همان میزان رنگ، شکل و در کل ملاحظات محدود به‌ظاهر هم اهمیت می‌یابد که در این بافته‌ها در تنوع بالایی قرار دارد؛ اما هنوز نتوانسته‌اند متناسب با سلیقه مشتری و با حفظ اصالت‌ها در راستای مد و تقاضا از این خصوصیات استفاده کنند (کدهای ۸، ۱۱ و ۱۲). این خود مستلزم توجه به جزئیات، اصلاحات ظاهری و موقعیت‌یابی متناسب با نیاز جامعه امروز است تا موجب لذت احساسی و رضایت فرهنگی شود (جدول ۵). بر این اساس تا زمانی که تولیدکنندگان در حکم کنشگران میدان به نقش ساخت‌دهنده خود عمل نکنند و قدرت لازم را برای تأثیر بر منش مصرف‌کنندگان به‌مثابه کنشگران خارج از میدان نداشته باشند، دست‌بافته‌ها جذابیت و توان لازم برای به دست آوردن میدان را ندارند.

با توجه به نگرش‌های ذکرشده در جدول بالا، می‌توان دریافت در زندگی معاصر، افراد در یک فرهنگ رقابتی زندگی می‌کنند که ارزش‌ها و نیازهای آن‌ها در مقایسه با یکدیگر و در سطحی بالاتر با مصرف‌های مشابه تعیین می‌شود؛ در نتیجه در این حالت، چشم‌وهم‌چشمی از یک‌سو و نیازهای جدید از سوی دیگر بروز می‌کنند. همه این عوامل در وضعیت حاضر همچون معیارهایی برای مصرف محصولات و آثار فرهنگی و هنری در میان مردم توجه و موجب کاهش سطح مصرف محصولاتی چون دست‌بافته‌های بختیاری می‌شود؛ مصرفی که به‌شدت با سازه‌های مبتنی بر "سلیقه"، "ذائقه"، "کاربرد" و "لذت" در زندگی معاصر صورت‌بندی شده‌است و لازمه کارکرد صحیح این میدان هنری به‌شمار می‌رود.

ب. سطح موجود در حوزه زیبایی‌شناسی (ذائقه و منش): بسیاری از آثاری که امروزه کاملاً شخصی و بدون چون‌وچرا در حیطه آثار هنری معرفی می‌شوند، حاصل اعمال نفوذ و سلیقه مستقیم سفارش‌دهنده آن بوده‌اند (باغبان ماهر و جهانگرد، ۱۳۹۴: ۲۰) که این نکته در خصوص هنرهای سنتی مانند بافته‌های عشایری به‌موجب خصایص کارکردیشان کمتر نمود پیدا می‌کند؛ چراکه این بافته‌ها همواره بازتولید و تکثیر نقوش و رنگ‌های سنتی بوده (کدهای ۱، ۵ و ۶) و دارای کارکرد و ارزش تجسمی و نمادین است؛ اما امروزه در قبال دغدغه‌های زیبایی‌شناسیشان حساسیت بیشتری وجود دارد و بسیاری

جدول ۵: وجه زیبایی‌شناسی دست‌بافته‌های عشایر بختیاری در وضعیت موجود (نگارندگان: ۱۳۹۹)

ار تباط با مفاهیم بورديو	مقوله	وضعیت موجود	مصاحبه‌شونده	نمونه‌ها	زیبایی‌شناسی
منش	تعصب و تأکید بر تکرار	تقلیل هویت اصلی رنگ‌ها در بافته‌های بختیاری	کدهای ۳ و ۷	تولیدکننده	
		به‌کارگیری رنگ‌های تند و شاد، ناهمخوان‌بودن رنگ‌ها و نقوش با سلیقه دیگر مناطق جامعه معاصر	کدهای ۲، ۴ و ۵		
		تمایل به تکرار نقوش و رنگ‌های خاص	کدهای ۱، ۵ و ۶		
ذائقه	تغییر و تحول در پسند و سلیقه	ترکیب نقش و رنگ بافته‌ها با دیگر سبک‌ها در بافته‌های جهادی، کم‌توجهی به ایجاد بافته‌هایی با دامنه سلیقه‌های مختلف	کدهای ۸، ۱۱ و ۱۲	عرضه‌کننده	
		استقبال از رنگ‌های ملایم‌تر متناسب با سلیقه امروزی؛ مانند بافته‌های چالشر	کد ۱۴		

مصرف کننده	کدهای ۱۶، ۱۹ و ۲۰	کم توجهی به وجوه زیبایی بافته‌ها برای استفاده در دیگر محصولات، تمایل به بافته‌هایی با دامنه متنوع رنگ، نقش و همخوان با دکوراسیون	مصرف
	کدهای ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۲۱	مُدگرایی و الگوپذیری از محصولات بیگانه	
زیبایی‌شناسی	کدهای ۲۲، ۲۷، ۳۰ و ۳۲	تنوع بالا در ترکیب‌بندی	صاحب‌نظران
	کدهای ۲۴، ۲۵ و ۲۶	نبود روحیه جسورانه در به‌کارگیری رنگ‌های امروزی در نقوش، بی‌توجهی به قدرت نهفته در طرح‌بافته‌ها	
	کدهای ۲۳ و ۲۶	هم‌خوانی طراحی داخلی معاصر با الگوهای غربی	
	کدهای ۲۳ و ۲۴	نبود موقعیت‌یابی در زمینه‌هایی مانند طراحی در دکوراسیون‌های سنتی، تزیین غالب ساختمان‌های منطقه و یا مکان‌های خاص (گچ‌بری و اجرای کناف)	
مصرف و سبک زندگی		نیاز به خوانشی جدید - تحول در دکوراسیون‌های سنتی و معاصر - نبود موقعیت‌یابی وجه تزیینی و کاربردی - عدم هم‌نشینی توأمان اصالت و سلیقه	

مرحله سوم: شناخت آسیب‌ها

امکانات برای بررسی آسیب‌ها و توان کاهش آسیب‌پذیری‌ها امکان‌پذیر می‌شود (مشهدی و امینی ورکی، ۱۳۹۴: ۷۴). از این‌رو در این مرحله بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده در مراحل قبل، به بررسی مقوله‌های اصلی ضعف، به تهدید که می‌تواند باعث ایجاد یا افزایش آسیب‌پذیری در میدان دست‌بافته‌های عشایر بختیاری شود پرداخته شده‌است.

آسیب نتیجه وضعیتی است که تهدید به وجود می‌آورد؛ هرچه احتمال وقوع تهدید بیشتر باشد میزان آسیب نیز افزایش می‌یابد. درواقع بررسی و شناخت تهدیدات شرط اول و الزامی برای پی‌بردن به ناتوانی‌ها و توانمندی‌هاست که بی‌توجهی در این خصوص آسیب‌های جبران‌ناپذیر را به وجود می‌آورد و پس از روشن‌شدن تهدید است که شرایط و

جدول ۶: آسیب‌شناسی دست‌بافته‌های عشایر بختیاری (نگارندگان: ۱۳۹۹)

حوزه	مقوله اصلی	تهدید	آسیب
کاربرد	کاهش گرایش به مصرف دست‌بافته‌ها افزایش گرایش به محصولات صنعتی غربی تنوع‌طلبی در مصرف موقعیت‌یابی‌نکردن در مورد استفاده‌های خاص از دست‌بافته‌ها	بی‌اعتنایی به ارزش‌های کاربردی بافته‌ها	آسیب خطرناک از بین رفتن کاربردهای کمی و کیفی بافته‌ها
زیبایی‌شناسی	کم‌رنگ شدن وجه زیبایی‌شناسی بافته‌ها مطابقت‌نداشتن با وجوه زیبایی‌شناسی زندگی معاصر غلبه بُعد حسی نسبت به عناصر ظاهری فاصله‌داشتن با پسند و سلیقه مشتری	تغییر ذائقه مصرف‌کننده به نفع فرهنگ بیگانه	آسیب بحرانی تزلزل در ارزش‌های فرهنگی و زیبایی‌شناسی بافته‌های قومی

راهکار برای رفع آسیب‌ها

پیاده‌سازی راهکارهای استاندارد را دشوار می‌سازد (مشهدی و امینی ورکی، ۱۳۹۴: ۷۱). از این‌رو در آسیب‌شناسی محصولات فرهنگی و هنری همچون دست‌بافته‌های عشایر بختیاری، همواره باید حوزه‌های مشخصی چون کاربرد و زیبایی‌شناسی وجود داشته باشد تا شکل‌گیری یک نگاه چندبُعدی برای بهره‌مندی از آن‌ها را میسر سازد. به همین منظور سعی شد ابتدا کاربردی‌ترین راهکارهای به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها مدنظر قرار گیرد.

با توجه به انعطاف‌پذیری و نظام‌مندی بی‌قاعده سبک زندگی، بسیاری از روش‌های موجود، راهنمایی‌های درست در خصوص چگونگی اعمال یک رهیافت برای حل مشکلات و ایجاد معیارهای قطعی برای سنجش عملکرد ندارند؛ چراکه ارزیابی آسیب‌پذیری از یک بخش زیرساختی به بخش دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت بوده و فعالیت‌های برخی پدیده‌ها پراکنده است که

جدول ۷: کاربردی ترین راهکارهای به دست آمده (نگارندگان: ۱۳۹۹)

راهکار	مصاحبه شونده	حوزه
توجه به ایده های کاربردی نو	اکثر مصاحبه شونده گان	کاربرد
شناخت ذائقه بازار هدف و معیار قراردادن کاربرد محصولات متناسب با قابلیت آن ها	کدهای ۲۳ و ۲۴	
ایجاد زنجیره ای کارآمد مختص به این محصولات و عناصر کاربردی آن ها	کدهای ۸، ۹، ۱۲، ۱۳ و ۲۲	
ارزش دهی به استفاده از بسترهای فرهنگی و هنری سنتی؛ مانند "طرح و نقش" در ابعاد مختلف زندگی معاصر از طریق رسانه ها	کدهای ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۳۱	زیبایی شناسی
ایجاد تنوع در رنگ و رنگ بندی متناسب با بازار تقاضا	کدهای ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱ و ۲۲	
ایجاد تعامل با افراد فعال در حوزه های طراحی و وجوه زیبایی شناسی متناسب با سلیقه مشتری	کدهای ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۵ و ۲۶	

منظوری خاص موجب می شود تا آن ها محملی برای تجلی ترکیبی از ترجیحات و خواست های همه اقشار جامعه باشند و میدان قدرت را دوباره به دست آورند؛ پس می توان ضمن حفظ کاربردهای قدیمی، از اجزایشان در طراحی های جدید هم استفاده کرد و بدین منظور چند مرحله قابل توجه است:

۱. شناسایی تراوشات ذهنی و نوآورانه مناسب با نیاز و سلیقه بازار و کاربردهای امروزی، ۲. انتخاب ایده های عملی تر و در عین حال توانا در تغییرات و پیشرفت دائمی، ۳. نگاه بازاری و تجاری به ایده ها در جهت تولید یک محصول جدید یا بهبود محصول موجود، ۴. بررسی نقاط ضعف و مثبت کالاهای مشابه ایده های داده شده و ۵. ایجاد الگوی اولیه از ایده، تا معرفی اولیه از کاربری جدید یافته یا عناصر آن صورت پذیرد و بتوان بازار یا سرمایه گذاران این حوزه را جذب کرد و ایده ها را به مرحله عملی تولید و ورود به بازار رساند و در عین حال حق مالکیت معنوی آن ها را حفظ نمود. از این رو ایده های دارای قابلیت، به دو گروه: الف. در جهت کاربری جدید برای محصولات موجود (تصاویر ۱ تا ۱۷) و ب. بهره گیری از دست یافته ها و عناصر تزئینی آن ها در تولید محصولات کاربردی جدید (تصاویر ۱۸ تا ۲۴) تقسیم شده اند که هر کدام می توانند از حیث کاربرد به مفهوم مصرف، کاربرد به مفهوم تزئین و یا هر دو حالت کاربردی در نظر گرفته شوند (جدول ۸).

هر یک از این عرصه ها الزاماتی را وارد کرده است که تعارض و گستردگی بین حوزه های از یک طرف و مقاومت در برخی ساختارهای تکراری و غیر خلاق از طرف دیگر، انتخاب راهکار را ملزم به تحلیل می کند.

تحلیل راهکار در حوزه کاربرد

دست بافته های عشایر بختیاری در صورتی که در حوزه مصرف عمومی امروزی قرار بگیرند، به واسطه خلاقیت افراد در هنگام مصرف و تولید، در کنار معنای اولیه خود، نوعی کاربرد و معنای جدید به دست می آورند که به خوبی می تواند نشانگر خلاقیت تولیدکننده، مصرف کننده، انعطاف پذیری عرصه مصرف، کاربرد و اهمیت مصرف کننده در این یافته ها باشد.



تصویر ۱: کاربرد گلیم و سفره به عنوان رومیزی (هیلبارد، ۱۳۹۳: ۸۲)

ایجاد تمایز از طریق اصلاح یا تغییر خاص برای کارکرد و

جدول ۸: ایده‌های کاربردی (نگارندگان: ۱۳۹۹)

تزیین	مصرف	ایده کاربردی	دست‌بافته	گروه
✓	✓	دیوارکوب	تاچه، جوال	اول
	✓	محل نگهداری روزنامه در کنار مبل	خورجین	
	✓	چمدان مسافرتی	گلیم، مفرش	
	✓	تشک مبل، بالش	توبره	
✓	✓	دستبند، زیورآلات تزیینی، جداسازی فضا	وریس، بندهای آویز	
✓	✓	رومیزی	سفره	
	✓	رومبلی، روتختی	گلیم، جاجیم	
✓		پارچه لباس	نقوش و عناصر تزیینی تمامی دست‌بافته‌ها	دوم
✓		پارچه مبلمان		
✓		پارچه پرده		
✓		پارچه کیف و کفش		
✓		کف‌پوش		
✓	✓	طراحی بدنه محصولات کاربردی مانند وسایل دکوری		
✓		سرامیک و کاشی		
✓		کاغذدیواری		
	✓	صنعت خودروسازی		
✓		تزیینات منظر شهری		
✓		المان‌های فضای سرپوشیده و دکوراسیون داخلی		



تصویر ۲: کاربرد دست‌بافته‌ها به‌عنوان کوسن (هیلیارد، ۱۳۹۳: ۸۳)



تصاویر ۴، ۵ و ۶: کاربرد گلیم و گبه در تولید محصولات کاربردی جدید (سایت ۱)



تصویر ۳: کاربرد تاچه به‌عنوان دیوارکوب (نگارندگان: ۱۳۹۹)



تصاویر ۷ و ۸: کاربرد جاجیم و گلیم در تولید میز و صندلی (سایت‌های ۲ و ۳)



تصاویر ۱۵، ۱۶ و ۱۷: کاربرد بافته‌ها در تولید محصولات کاربردی جدید (سایت ۷)



تصاویر ۹، ۱۰ و ۱۱: کاربرد گلیم در تولید مبلمان (سایت‌های ۵۴، ۶ و ۷)



تصاویر ۱۸، ۱۹ و ۲۰: کاربرد نقش چوقا در تولید محصولات کاربردی جدید (سایت‌های ۹۸، ۱۰ و ۱۱)



تصاویر ۱۲، ۱۳ و ۱۴: کاربرد بافته‌ها در تولید محصولات کاربردی جدید (سایت ۷)

تصاویر ۲۱ و ۲۲: کاربرد نقش گلیم در تولید محصولات کاربردی جدید (سایت‌های ۱۱ و ۱۲)

در جهت شکل‌گیری کیفیات زیبایی‌شناسی متوازن جدید، ۵. ترکیب عناصر سنتی بافته‌ها و عناصر متجدد به‌عنوان "نوعی مُد و امری وحدت‌ساز"، در جهت تعهد به استمرار مصرف و کیفیات بصری حاصل از آن‌ها در جامعه امروزی.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی با توجه به ظهور شکل، کاربرد و بیانی متفاوت در همه هنرها و صنایع، برای رشد، توسعه‌یافتگی و برون‌رفت از آسیب دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری در سبک زندگی معاصر، حضور و ارتباطی متفاوت با مخاطب در حکم کنشگر این میدان لازم و ضروری است و میزان مصرف دست‌بافته‌ها به‌عنوان سرمایه فرهنگی با مؤلفه‌های کاربرد و زیبایی‌شناسی (ذائقه هنری)، به‌مثابه نشان‌دهنده منش افراد، در ارتباط مستقیم قرار می‌گیرد. به‌واقع میدان این هنر از یک‌سو بر منش افراد تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر منش افراد، خصوصیات میدان را تعریف می‌کند؛ همان‌گونه که بورديو نیز فرهنگ مصرف را ریشه در منش و ذائقه هر فرد می‌داند و شاخص سرمایه فرهنگی را به‌عنوان ساختار و عامل تأثیرگذار معرفی می‌کند. با در نظر گرفتن نقش سرمایه فرهنگی در سبک زندگی، دست‌بافته‌های کاربردی عشایر بختیاری به‌عنوان سرمایه‌های فرهنگی عینی‌شده، اهمیت بیشتری می‌یابند و بر مبنای نظریه میدان بورديو، دو گروه درون این میدان قابل تشخیص است: ۱. گروه ناب یا افرادی که بافته‌ها را از منظر یک هنر می‌نگرند و به‌عنوان سرمایه نمادین بر آن‌ها تأکید می‌ورزند و ۲. گروه وابسته که بافته‌ها را یک حرفه می‌بینند و بر موفقیت در فروش یا کسب سرمایه اقتصادی تمرکز دارند؛ لذا نیاز به یک گروه سوم است که با تلفیق طرح‌ها و خصوصیات دو گروه مذکور، میدان قدرت را به دست گیرد و کسب و کاربرد دست‌بافته‌ها به‌عنوان سرمایه فرهنگی و در عین حال کالایی مصرفی را ممکن سازد. به‌واقع این قطب سوم از منظر سرمایه فرهنگی بر دست‌بافته‌ها تأکید دارد و با توجه به عدم تطابق کاربردی آن‌ها با معیارهای پذیرش در بازارهای هدف و عدم تطابق وجوه زیبایی‌شناسی با سلیقه و پسند دنیای امروزی، به دنبال شکل‌ها و شیوه‌های متفاوت و جدیدی است تا توأمان جایگاه هنری و مصرفی را به دست آورد.



تصاویر ۲۳ و ۲۴: کاربرد نقش بافته‌ها در تولید محصولات کاربردی جدید (سایت‌های ۱۳ و ۱۴)

تحلیل راهکار در حوزه زیبایی‌شناسی

انسان امروزی با تغییر خلاقانه و واجد معنای عناصر زیبایی‌شناسی دخیل در سبک زندگی خود، تصویرهای متفاوتی از ارزش‌ها، گرایش‌ها و الگوهای دیداری خود می‌سازد، الگوهای نوینی که بر پایه تمایلات سبک زندگی، استوار می‌شوند؛ از جمله این الگوها، محصولات فرهنگی و هنری هستند که بسیاری از آن‌ها دارای ارزش زیبایی‌شناختی هستند؛ اما این ارزش زمانی مصداق می‌یابد که یک محصول جذاب‌تر از سایرین به نظر برسد. در این شرایط خریدار ممکن است به‌طور ناخودآگاه ارزش زیبایی بالاتری برای محصول در مقایسه با رقبای آن قائل شود؛ حتی اگر سایر ویژگی‌های آن‌ها یکسان باشد و همین موجب تمایل و انگیزه فرد در انتخاب و استفاده از آن می‌شود. از عمده‌ترین عناصری که امروزه در محصولات فرهنگی و هنری چشم را درگیر خود می‌کند نقوش و رنگ‌ها هستند؛ تا جایی که بهره‌گیری از تکرار نقوش، رنگ‌های خاص و یکنواخت موجب می‌شود اشتیاق نسبت به این عناصر کاهش یابد، اگرچه تکرار به‌خودی‌خود در یک محصول فرهنگی و هنری زنده نیست، می‌تواند کسل‌کننده و ناسازگار با پسند و سلیقه‌های معاصر باشد. درواقع «سنت دوام‌پذیر الزاماً الهام‌بخش و خمیرمایه آفرینندگی است؛ اما با تکرار، ملال‌آور و موجب رمیدگی خاطر می‌شود» (ستاری، ۱۳۸۳: ۸۵). از این‌رو چند مرحله، مهم جلوه می‌کند: ۱. "خلاقیت" در استفاده از طرح و رنگ در دست‌بافته‌ها و محصولات مستخرج از آن‌ها، ۲. طراحی محصولات "با همراهی نشانی از ظرفیت‌های فرهنگی و هنری آن‌ها"، ۳. استفاده از عناصر زیبایی‌شناسی آن‌ها به‌عنوان "منبع الهامی بالقوه از سازه‌های اصیل و سنتی" برای ابداعات جدید، ۴. "ایجاد ارتباط بین تولیدکنندگان و طراحان داخلی"

بینارشته‌ای، ص ۱۹ - ۳۰.

- باقری کودکانی، سکینه. (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی پارچه‌های دستبافت ابریشمی و کاربرد آن در طراحی لباس؛ مطالعه موردی چادرشب ابریشمی رنگرزی شده با رنگینه‌های طبیعی شمال ایران*. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. رشته طراحی لباس و پارچه. دانشگاه علم و فرهنگ.

- باکاک، رابرت؛ تامپسون، کنت. (۱۳۹۱). *درآمدی بر فهم جامعه مدرن؛ اشکال اجتماعی و فرهنگی مدرنیت*. مترجم: کاظم فیروزمند و دیگران. تهران: آگه.

- بوردیو، پیر. (۱۳۸۰). *نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. مترجم: مرتضی مردیپا. تهران: نقش‌ونگار.

- پرستش، شهرام. (۱۳۸۵). «صورت‌بندی میدان تولید ادبی در ایران معاصر». رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی نظری - فرهنگی، دانشگاه تهران.

- پرند، سپیده. (۱۳۹۴). *طراحی و ساخت مجموعه مبلمان خانگی با رویکرد/حیای حضور دست‌بافت‌های ایرانی در زندگی روزمره*. پایان‌نامه مقطع کارشناسی. رشته طراحی صنعتی. دانشگاه هنر اصفهان.

- تناولی، پرویز. (۱۳۸۰). *دست‌بافته‌های روستایی و عشایری ورامین*. تهران: انتشارات یساولی.

- _____؛ (۱۳۸۰). *نمکدان؛ دست‌بافته‌های عشایری و روستایی ایران*. تهران: نشر نظر.

- _____؛ (۱۳۷۷). *تاجچه‌های چهارمحال*. تهران: انتشارات یساولی.

- _____؛ (۱۳۷۷). *جل‌های عشایری و روستایی ایران*. تهران: انتشارات یساولی.

- _____؛ (۱۳۷۰). *نان و نمک*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- جهانگیرفرد، مجید؛ سلمان، محسن. (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی طرح سامان‌دهی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی در بخش به‌کارگرفتن مدیران عامل تحصیل‌کرده». *تعاون و روستا*، شماره ۴ و ۵، ص ۳۷ - ۶۶.

- زاهدی، نازگل. (۱۳۹۳). *کاربرد طرح‌ها و نقوش دست‌بافته‌های شاهسون در زندگی روزمره شهری*. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. رشته ارتباط تصویری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

در این زمینه برای خروج از آسیب‌ها و به‌دست‌آوردن دوباره قدرت در میدان، به ارائه نواندیشی در قامت راهکار پرداخته شد که در جریان پژوهش ابتدا به ورود ایده‌های جدید در حوزه کاربرد، ذیل دو گروه: ۱. کاربری جدید برای محصولات موجود مانند: دیوارکوب، چمدان مسافرتی، تشک مبل، بالشت، رومبلی، روتختی، زیورآلات تزئینی، جداسازی فضا و غیره و ۲. بهره‌گیری از دست‌بافته‌ها و عناصر آن‌ها در تولید محصولات جدید مانند: پارچه مبلمان، پرده، لباس، سرامیک و کاشی، تزئینات منظر شهری، صنعت خودروسازی و ... اشاره شد که شاید اصلی‌ترین گام باشد و در نهایت مشتری‌مداری و ایجاد تمایز در حوزه زیبایی‌شناسی مطرح شد؛ به این اعتبار که در صورت بهره‌گیری متعادل و متوازن از عناصر زیبایی‌شناسی این بافته‌ها در کنار ذائقه امروزی، به‌راحتی این عناصر با کیفیات مورد تقاضای جامعه هم‌خوانی و مطابقت پیدا می‌کنند و در نتیجه خصایص اصلی و ویژگی‌هایی که لازمه کارکرد صحیح یک میدان است را به دست می‌آورند.

منابع

- ابراهیمی ناغانی، حسین. (۱۳۹۳). «مقدمه‌ای بر زیباشناسی نقش و رنگ گلیم‌های عشایر بختیاری». *نگارینه هنر اسلامی*، شماره ۱، ص ۱۹ - ۳۹.

- اسپنانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی احیای طرح و نقش قالی‌های عشایری و روستایی*. گنج‌ام، شماره ۶-۷، ص ۵۲ - ۳۵.

- افروغ، محمد. (۱۳۹۷). «مطالعه ساختاری و محتوایی نمکدان‌های بختیاری با تأکید بر طرح و نقش». *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۲۷، ص ۶۳ - ۹۳.

- امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۸۷). *پژوهشی درباره ایل بختیاری*. تهران: آگه.

- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۴). *ارزش‌ها در طراحی منظر شهری*. تهران: دانشگاه تهران.

- باغبان ماهر، سجاد؛ جهانگرد، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). «تحلیل جهت‌دهی اقتصاد به گفتمان هنری». در *مجموعه مقالات همایش پژوهشی اقتصاد هنر ایران*، به سفارش معاونت آموزش و پرورش خانه هنرمندان ایران. تهران: انتشارات مطالعات

- Gombrich, Ernst. (1960). *Art and Illusion: A study in the psychology of pictorial representation*. London: Phaidon.
- Story, John. (1999). *Cultural consumption and everyday life*. Arnold publisher, London.
- Vazquez, Adolfo Sánchez. (1973). *Art and Society: Essay in Marxist Aesthetics*. London: Merlin Press.
- URL1: <https://farshonline.com/>
- URL2: <https://www.rugcherry.com/products/12645/%D9%85%DB%8C%D8%B2-%D9%88-%D8%B5%D9%86%D8%AF%D9%84%D-B%8C-%D9%BE%D9%86%D8%AC-%D8%AA%DB%8C%DA%A9%D9%87-%D8%B3%D9%86%D8%AA%DB%8C>
- URL3: <https://mobleseyed.com/%D9%BE%D8%A7%D8%B1%DA%86%D9%87-%DA%AF%D9%84%DB%8C%D9%85-%D8%AC%D8%A7%D8%AC%D-B%8C%D9%85-%D9%85%D8%A8%D9%84%DB%8C-%D9%81%D8%B1%D9%88%D8%B4%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%A8%D8%B2/>
- URL4: <https://woodenmobl.com/tag/%D9%BE%D8%A7%D8%B1%DA%86%D9%87-%D9%85%D8%A8%D9%84/>
- URL5: <https://www.chidaneh.com/blog/post/37460>
- URL6: <http://honaryab.com/product/%D9%85%D8%A8%D9%84-%D8%AC%D8%A7%D8%AC%D8%B7%D8%B1%D8%AD-1>
- URL7: <http://modelo.blog.ir/1398/06/11/%DA%A9%DB%8C%D9%81-%DA%AF%D9%84%D-B%8C%D9%85%D8%AC-35-%D9%85%D8%AF%D9%84-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%AF%D8%A7%D>

- مرکزی.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۳). *هویت ملی و هویت فرهنگی*. تهران: مرکز.
- سوندبرگ، ریچارد؛ گرانووتر، مارک. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی اقتصادی*. مترجم: علی اصغر سعیدی. تهران: تیسرا.
- طلایی، مرتضی؛ شریفی، سعید؛ رشیدپور، علی؛ شاه‌طالبی، بدری. (۱۳۹۳). *هویت، مسئله هویت و سبک زندگی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- علوی، عباس. (۱۳۸۹). *نقش مایه‌های گبه در ایل بختیاری*. *هنرهای تجسمی نقش مایه*، شماره ۵، ص ۸۵-۹۰.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق.
- کبیری، فرانک. (۱۳۸۸). *خورجین و گونه‌های مختلف آن در استان چهارمحال و بختیاری*. *گلجام*، شماره ۱۴، ص ۵۱-۶۸.
- کیانی، ندا. (۱۳۹۵). *مطالعه روابط ساختاری تاجه و نمکدان چهارمحال و بختیاری با رویکرد انسان‌شناسی هنر*. *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۲۴، ص ۱۲۹-۱۴۹.
- کیانی، ندا؛ زکریایی کرمانی، ایمان؛ ابراهیمی علویجه، مهدی. (۱۳۹۵). «مطالعه مردم‌شناسی و ریس‌بافی عشایر بختیاری». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، شماره ۲، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- گرنفل، مایکل. (۱۳۸۸). *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*. مترجم: محمدمهدی لیبی. تهران: نقد افکار.
- مشهدی، حسن؛ امینی ورکی، سعید. (۱۳۹۴). «تدوین و ارایه الگوی ارزیابی تهدیدات، آسیب‌پذیری و تحلیل خطرپذیری زیرساخت‌های حیاتی». *مدیریت بحران*، شماره ۷، ص ۶۹-۸۵.
- هیلارد، الیزابت. (۱۳۹۳). *آدین با فرش‌های ایلپاتی*. مترجم: کورش کریمشاهی. تهران: کلک سیمین.
- Bourdieu, Pierre, Passeron, Jean-Claude. (1970). *La reproduction. Eléments pour une théorie du système d'enseignement*. Paris, éd. Minuit
- Bourdieu, Pierre. (1984). *Distinction: A social critique of the judgment of taste*. Routledge
- Bourdieu, Pierre. (1995). *Haute couture and Haute culture*. In *sociology in question*. London, pp 132-138.

8%AF%DB%8C-%D9%88-%DA%A9%D-
B%8C%D9%81-%D9%88-%DA%A9%D-
9%88%D9%84%D9%87-%D9%87%D8%A7%D-
B%8C-%D8%B7%D8%B1%D8%AD-
%DA%AF%D9%84%DB%8C%D9%85-
%D8%B3%D9%86%D8%AA%DB%8C-
%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1%D8%A
7%D9%86%D9%87

- URL8: https://encrypted-tbn0.gstatic.com/images?q=tbn:ANd9GcTe_UwBY46TyW-toM_BWFpUmdJkSmdlHTFbPnQ&usqp=-CAU&ec=45761791

- URL9: https://encrypted-tbn0.gstatic.com/images?q=tbn:ANd9GcREjgL1V9kr5wp6BEpPjP-0Zy_ieXl39awisA&usqp=CAU&ec=45761791

- URL10: https://storage.torob.com/backend-api/base/images/yx/_/yx_-BehzzXv4BjaW.jpg

- URL11: https://40nama.com/index.php?id_product=13770&controller=product

- URL12: <https://galleryvenus.ir/fa/blog/show/prm/2422/%D8%B7%D8%B1%D8%A7%D8%AD%D-B%8C-%D9%85%D9%86%D8%B2%D9%84-%D8%A8%D8%A7-%D8%AF%DA%A9%D9%88%D8%B1%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%B3%D9%86-%D8%AA%DB%8C-%D8%A7%D-B%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C.html>

- URL13: <https://www.chidaneh.com/blog/post/294758>

- URL14: <https://www.manzel.ir/product/%D9%BE%D8%B1%D8%AF%D9%87-%D9%BE%D8%A7%D9%86%DA%86-%D8%B3%D9%86%D8%AA%DB%8C-%DA%A9%D8%AF-k-5085/>

Analysis of Damages Related to Bakhtiari Nomadic Textiles in Contemporary Lifestyle Based on Pierre Bourdieu's Opinions

Neda kiani Ejgerdi¹, Iman zakariaee kermani², Soraya memar³

1- PH.D Student in Art Research, Faculty of Higher Research in Art and Entrepreneurship, Art University of Isfahan, Isfahan (responsible author)

2- PH.D , Asistent Professor, Faculty of carpet, Art University of Isfahan

3- PH.D ,Associate Professor of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan
DOI: 10.22077/NIA.2021.3703.1361

Abstract

Applied hand-wovenes have always been one of the most important products of Bakhtiari tribes in Iran. The nomadic artifacts are regarded as the indigenous ethnic art, which is also important from the perspective of humanities and social sciences as a historical document and a different kind of art. Due to the current changes in nomadic lifestyle, which are mainly occurred due to cultural and social developments and the gap between tradition and modernity, reducing the scope of production and forgetting a large part of the textiles has become inevitable. Therefore, this paper, with the aim of pathology of applied hand-wovenes of Bakhtiari tribes, seeks to answer the main question: what are the imposed damages and obstacles to life and consumption of Bakhtiari hand-wovenes in today's lifestyle? The research methodology is descriptive-analytical and the authors benefited from the ethnographic research studies. Its approach is the sociology of art, emphasizing Pierre Bourdieu's theory of consumption and lifestyle, and in this regard, the authors used the theory of "field" and its related components. Data analysis was performed based on content analysis, and the model presentation was performed based on the conducted pathology. Non-probability sampling was performed with the participation of 34 manufacturers, suppliers, consumers and experts, and the information was collected by documentary and field methods. As a result, injuries are directly related to two areas of application and aesthetics (artistic taste), which is influenced by the character of individuals as actors in the field of weaving; as Bourdieu considers the culture of consumption to be rooted in the character and taste of each individual. Indeed, considering the role of cultural capital in lifestyle, in the case of applied hand-wovenes of Bakhtiari nomads, two groups of pure and dependent activists can be distinguished, which itself needs a third group in order to combine the characteristics of these two groups to be revived the glorious power of nomadic artifacts. Because the third pole from the perspective of cultural capital emphasizes the textures and due to their non-compliance with the criteria of acceptance in target markets and their aesthetic aspects with the tastes of today's world; it was looking for new ideas to achieve both artistic and consumption outcomes.

Key words: Bakhtiari nomads, hand-woven textiles, lifestyle, Pierre Bourdieu.

1 - Email: n.kiani@au.ac.ir

2 - Email: i.zakariaee@au.ac.ir

3 - Email: s.memar@litr.ui.ac.ir

This article is extracted from the first author's Master thesis with Title "Pathology of Bakhtiari nomads applied hand-wovenes in order to comply with the todays requirements" which has been done in the Faculty of Handicrafts of the art university of Isfahan under the guidance of the Iman zakariaee kermani and Soraya Memar.

(Date Received: 2020/09/09 - Date Accepted: 2021/04/12)